

## زنگ خطر گواهینامه ۱۵ میلیونی



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

گواهینامه رانندگی در دنیای امروز

تنها یک کارت شناسایی یا مجوز نشتن پشت فرمان نیست، برای بسیاری از جوانان، گواهینامه نخستین گام برای ورود به بازار کار محسوب می‌شود. از رانندگان تاکسی‌های اینترنتی و پیک‌های موتوری گرفته تا بسیاری از مشاغل خدماتی و اداری، داشتن گواهینامه به یک ضرورت تبدیل شده است. به همین دلیل هر تصمیمی که دسترسی به این مجوز را دشوارتر کند، عملاً بر مسیر اشتغال بخشی از جامعه نیز اثر می‌گذارد.

واقعیت این است که آموزشگاه‌های رانندگی نیز با افزایش هزینه‌ها روبه‌رو هستند. استهلاک خودرو، افزایش قیمت قطعات، بیمه، اجاره‌بها و دستمز د مربیان، همگی فشار اقتصادی سنگینی بر این بخش وارد کرده‌است، اما پرسش اساسی اینجاست که آیا باید تمام این بار اقتصادی مستقیماً بر دوش متقاضیان، به‌ویژه جوانان قرار گیرد؟

نگرانی مهم‌تر اما در نقطه دیگری نهفته است؛ جایی که برخی افراد به دلیل ناتوانی مالی، دریافت گواهینامه‌ه را به تعویق می‌اندازند یا حتی از آن صرف‌نظر می‌کنند. تجربه نشان داده‌است هر گاه فاصله میان نیاز اجتماعی و توان اقتصادی مردم افزایش پیدا کند، زمینه‌های رفتارهای پرخطر نیز فراهم می‌شود. رانندگی بدون گواهینامه یکی از همین مخاطرات است؛ اقدامی که نه‌تنها جان راننده، بلکه امنیت سایر شهروندان را نیز تهدید می‌کند.

در کشوری که سالانه هزاران نفر در تصادفات رانندگی جان خود را از دست می‌دهند و بخشی قابل توجهی از حوادث ناشی از خطای انسانی است، آموزش رانندگی یک کالای لوکس نیست که بتوان از آن چشم پوشید. آموزش، بخشی از زیرساخت ایمنی جامعه‌است و باید با همین نگاه به آن نگریسته شود.

شاید زمان آن رسیده باشد که مسئولان به‌جای نگاه صرفاً درآمدی به فرآیند صدور گواهینامه، راهکارهای حمایتی را در دستور کار قرار دهند؛ از ارائه تسهیلات و امکان پرداخت اقساطی گرفته تا توسعه آموزش‌های مجازی و کاهش هزینه‌های غیر ضروری، زیرا آموزش به‌عنوان یک مجوز رانندگی نیست؛ بلکه بخشی از مهم‌ر زنجیره اشتغال، امنیت اجتماعی و فرهنگ ترافیکی کشور است. اگر هزینه آموزش از توان پرداخت بخش بزرگی از جامعه فراتر رود، ممکن است در آینده هزینه‌های سنگین‌تری در جاده‌ها، دادگاه‌ها و بیمارستان‌ها به کشور تحمیل شود؛ هزینه‌هایی که به مراتب بیشتر از چند میلیون تومان افزایش تعرفه خواهد بود.

■ **غلامر شامسکنی**

سازقی معروف به «سلطان سرعت» که در موتورسواری مهارت فوق‌العاده‌ای داشت و فکر می‌کرد هیچ‌کس به گردش نمی‌رسد، در تعقیب و گریز پلیس تصادف کرد و دستگیر شد. او با دو همدستش ماه‌ها زورگیری و سرعت می‌کرد. چندی قبل، مأموران پلیس تهران با شکایت تعدادی از شهروندان در جریان سرعت‌ها و زورگیری‌های سرپالی سه مرد جوان موتورسوار قرار گرفتند. شاکیان از سرعت گونشی تلقن همراه، کیف، گردنبند و سایر اموالشان در خیابان‌های شلوغ و خلوت تهران خبر می‌دادند. یکی از شاکیان به مأموران گفت: «در خیابانی شلوغ منتظر تاکسی بودم و همزمان با تلقن همراهم با یکی از دوستانم صحبت می‌کردم. ناگهان یک موتورسیکلت با سه سرنشین به من نزدیک شد و در یک چشم به هم‌زنی، یکی از آنها گونشی را از دستم قاپید. هنوز فریاد کم‌ک‌هایم‌ام به آسمان بلند نشده‌بود که راننده با مهارت زیادی در ترافیک خیابان لای‌کی کشی کرد و در کمتر از یک دقیقه‌ناپدید شد.»

■ **حرفه‌ای و نقاب‌زده**

در حالی که تحقیقات پلیس دستگیری سارقان ادامه داشت، مأموران با شکایت‌های مشابه دیگری روبه‌رو شدند. بررسی‌ها نشان می‌داد سارقان هر سه نفر نقاب به صورت دارند و در محله‌های مختلف تهران اقدام به موبایل‌قاپی، کیف‌قاپی و گردنبندقاپی می‌کنند. آنها به صورت حرفه‌ای در خیابان‌های شلوغ و پر از ترافیک و گاهی هم خلوت، طعمه‌های خود را انتخاب می‌کنند و در کمتر از چند ثانیه اموال شهروندان را سرعت می‌کردند. آنچه مأموران در بازبینی دوربین‌ها به دست آوردند، این بود که متهمان به نظر می‌رسید

# دوئل خونین

# بر سر پاتوق

■ **آرمین بینا**

**درگیری دو جوان بر سر پاتوق در خیابان تختی تهران منتهی به قتل انجامید. قاتل ۱۹ساله دستگیر شد و به قتل اعتراف کرد.**

■ ■ ■

ساعت ۲۱:۳۰ شامگاه جمعه، هشتم خرداد، مأموران کلانتری ۱۱۶ مولوی تماسی تلفنی از سوی رهگذران دریافت کردند. آنها ازگیری خونین دو پسر جوان در خیابان تختی، منطقه مولوی خبر داده بودند.

لحظاتی بعد، تیمی از مأموران به محل اعزام شدند. در گوشه‌ای از پیاده‌رو، پیکر خونین پسر جوانی را پیدا کردند که بر اثر اصابت دو ضربه چاقو به شدت زخمی شده بود.

■ **انتقال به بیمارستان و اعلام مرگ**

مأموران پلیس همراه با عوامل اورژانس، «کیوان» ۲۱ساله را برای درمان به بیمارستان منتقل کردند. تحقیقات میدانی و گفته‌های شاهدان حکایت از آن داشت که مصدوم در درگیری سا یکی از بچه‌محل‌هایش به نام «بهرام» زخمی شده است. اما دقایقی بعد، خبر تلخی از بیمارستان رسید. تیم پزشکی اعلام کرد تلاش برای نجات جان کیوان نتیجه‌ای نداشته و وی بر اثر شدت جراحات و خونریزی شدید در اتاق عمل جان باخته‌است.

■ **ورود باز پرس ویژه قتل**

خبر قتل پسر جوان، پرونده را وارد مرحله تازه‌ای کرد. قاضی محمدجواد شفیعی، باز پرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران، همراه با تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی، راهی محل حادثه شدند.

■ **اختلاف قدیمی بر سر پاتوق**

تحقیقات تیم جنایی نشان داد قاتل و مقتول از مدت‌ها

## حوادث

سرویس حوادث ۶۰۴۲۳۰۸۵۲۳



قبل با هم اختلاف داشته و برای هم کرمی می‌خوانده‌اند. پاتوق مقتول همراه دوستانش در نزدیکی خانه قاتل بوده و همین موضوع باعث مشاجره و درگیری‌های مکرر آنها می‌شده است. بهرام بارها از کیوان خواسته بود پاتوقش را از نزدیکی خانه آنها به محله دیگری منتقل کند، اما کیوان قبول نمی‌کرده است.

■ **دستگیری قاتل در زیرزمین خانه**

با به دست آمدن این اطلاعات، تیم جنایی برای دستگیری قاتل فراری به محل زندگی او رفتند. خانواده بهرام ابتدا ادعا کردند خبری از پسر ۱۹ساله‌شان ندارند، اما مأموران پس از جست‌وجو، متهم را پیدا کردند. او در زیرزمین خانه‌شان مخفی شده‌بود. قاتل دستگیر و به اداره پلیس منتقل شد. صبح دیروز، بهرام برای تحقیق به دادسرای امور جنایی تهران منتقل گردید.

■ **اعتراف قاتل؛ پشیمانی از لحظه عصبانیت**

قاتل با چشمانی اشکبار و اظهار پشیمانی به قتل اعتراف کرد و در توضیح ماجرا گفت: «من و مقتول هر دو بچه یک محله هستیم. او کارش پیک موتوری بود و در بازار کار می‌کرد. من هم پیک موتوری تعدادی مغازه موبایل‌فروشی بودم. او و دوستانش همیشه مشروب می‌خورند و پاتوقشان در نزدیکی خانه ما بود. همین موضوع باعث اختلاف ما شده بود. من بارها به او تذکر داده بودم پاتوقش را تغییر دهد، اما او قبول نمی‌کرد.»

وی ادامه داد: «اختلافات ما ادامه داشت. چند روز قبل هم با هم مشاجره لفظی کردیم. آن روز او و دوستانش مست

**چه شد که پس از آزادی تصمیم گرفتید با هم باند سرعت تشکیل دهید؟**

ما فکر کردیم اگر سه نفری باند تشکیل دهیم، به این زودی گرفتار نمی‌شویم و خیلی زود پول خوبی به جیب می‌زنیم. به همین دلیل وقتی از زندان آزاد شدیم، با هم باند تشکیل دادیم.

**چرا این فکر را می‌کردید؟**

من دست فرمونم در موتورسواری عالی است. از دوران کودکی موتورسواری بودم و حتی در مسابقات پیست‌های موتورسواری غیرقانونی هم شرکت می‌کردم. هر دو همدستم در گردنبندقاپی و موبایل‌قاپی حرف‌های هستند. در تمام سرعت‌ها من رانندگی می‌کردم و آنها گردنبند و موبایل می‌قایبند. من هم در یک چشم‌به‌هم‌زدن با لای‌کی‌اش از میان خودروها فرار می‌کردم. تصور می‌کردم هیچ‌کسی در موتورسواری به گرد من نمی‌رسد.

**اما پلیس رسید؟**

بله. آن روز در تعقیب و گریز تصادف کردم و به دام افتادم.

**چرا تصادف کردی؟**

مأموران پلیس خیلی سمج بودند. هر کاری کردم آنها را از تعقیب و گریز منصرف‌کنم، نتیجه‌ای نداشت. تا اینکه حین تعقیب و گریز، یک خودرو جلوی من ترمز زد و با آن برخورد کردم. دیگر راهی برای فرار نبود.

**از فامیل‌ها هم سرعت می‌کردید، درست‌ه؟**

بله. مثلاً در میمغانی‌ها اگر متوجه می‌شدم یکی از فامیل‌ها گونشی قرار گرفته خریدی یا گردنبند طلا دارد، نقشه سرعت را طراحی می‌کردم و در فرصت مناسب داخل پارک یا خیابان اجرا می‌کردم.

## بازی خطرناک نوجوان ۱۸ساله با جان ۴۰ مسافر

تردد یک اتوبوس مسافربری با راننده‌های ۱۸ساله و فاقد گواهینامه در محور سبزرجان –شهریابک، با هوشیاری مأموران پلیس راه متوقف شد؛ اقدامی که از وقوع حادثه‌ای احتمالی برای بیش از ۴۰ مسافر جلوگیری کرد.

سرهنگ امیر معین‌الدینی، رئیس پلیس راه شمال استان کرمان گفت: مأموران گشت پلیس راه هنگام کنترل تردد خودروها در محور سبزرجان –شهریابک، به یک دستگاه اتوبوس مسافربری که با رفتارهای پرخطر و بی‌توجهی به اصول رانندگی در حال حرکت بود، مشکوک شدند و آن را متوقف کردند. وی افزود: پس از بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد راننده اتوبوس تنها ۱۸سال دارد و نه‌تنها فاقد گواهینامه رانندگی اتوبوس است، بلکه هیچ‌گونه مجوز قانونی برای هدایت این وسیله نقلیه سنگین را نیز در اختیار ندارد.

رئیس پلیس راه شمال استان کرمان با اشاره به اینکه بیش از ۴۰ مسافر در این اتوبوس حضور داشتند، اظهار کرد: ادامه این سفر می‌توانست جان دهها نفر را با خطر جدی مواجه کند. به گفته وی، اتوبوس متخلف توقیف و راننده جوان برای طی مراحل قانونی و رسیدگی قضایی به مرجع قضایی معرفی شد.

## نبرد پلیس امنیت اقتصادی فراجا با اخلاگران معیشت مردم



سردار حسین رحیمی

رئیس پلیس امنیت اقتصادی

از ابتدای جنگ فرار گاه مبارزه با احتکار و امتناع کالای اساسی پلیس امنیت اقتصادی فعال شد و اما با توجه به گرانی‌های افسار گسیخته این روزها فرار گاه مشتری‌کی در راستای مقابله جدی و همه‌جانبه بااحتکار و گران‌فروشی با بهره‌گیری از ظرفیت سایر سازمان‌ها تشکیل شد. در این قرار گاه که با همکاری وزارت صمت، جهاد کشاورزی، وزارت بهداشت، تعزیرات صورت گرفت بیش از ۲ هزار گشت مشترک به کارگیری و در این مدت توسط تیم‌های مشترک از ۲ هزار فروشگاه عرضه کالا از جمله فروشگاه‌های زنجیره‌ای، داروخانه، انبارها، پمپ بنزین‌ها و بیش از ۱۶۳ تن انواع کالای اساسی و مورد نیاز مردم

کشف شده‌است و این فرایند همچنان ادامه دارد. با در نظر گرفتن این موضوع باید در نظر داشته‌باشیم، وقتی صحبت از تحریم‌های اقتصادی و تهدیدهای جنگی می‌شود، نگاه عمومی تنها به نمودارهای کلان اقتصادی و نوسانات ارز معطوف است، اما حقیقتی تلخ و نادیده‌گرفته‌شده وجود دارد، چراکه در سایه فشار خارجی، نبردی داخلی و بسیار خطرناک‌تر در حال فعالیت است. این نبرد، فساد و جرم اقتصادی است.

در شرایطی که ملت درگیر چالش‌های معیشتی است، کسانی که از زنج مردم‌برای ثروتمند شدن استفاده می‌کنند، تنها یک مجرم اقتصادی نیستند، بلکه مزدوران مجرم برای ایجاد بحران و عامل اصلی بی‌ثباتی اجتماعی هستند. احتکار و امتناع از عرضه کالا، سلاح مرگبار در دست فرصت‌طلبان یکی از بدترین اشکال جرائم اقتصادی در زمان بحران، احتکار و امتناع از عرضه کالا است. احتکار با ذخیره کردن کالاهای اساسی و ایجاد مصنوعی بودن کمبود، قیمت‌ها را به شکلی بی‌سابقه بالا می‌برد. این اقدام، فراتر از یک تخلف تجاری، یک جنایت علیه امنیت غذایی و سلامت جامعه است. وقتی یک بازرگان با انبار کردن کالا، قیمت را از سطح واقعی خود فراتر می‌برد، در واقع دارد از سلامت مردم تغذیه می‌کند. این رفتار، زنجیره تولید را فلج کرده و باعث می‌شود تورم، نه بر اثر کمبود واقعی کالا، بلکه بر اثر کمبود عمدی رشد کند. گران‌فروشی و کم‌فروشی؛ خیانت به اعتماد عمومی در کنار احتکار، دو جرم دگر نیز همواره در کنار هم حرکت می‌کنند.

■ **گران‌فروشی و کم‌فروشی**

گران‌فروشی، نوعی سرقت آشکار از جیب مردم است که در شرایط تورمی، ضربه نهایی را به قدرت خرید طبقات آسیب‌پذیر وارد می‌کند. کم‌فروشی کاستن از وزن یا کیفیت کالا نوعی خیانت است که اعتماد عمومی را از بین می‌برد. وقتی اعتماد میان تولیدکننده، توزیع‌کننده و مصرف‌کننده از بین برود، اقتصاد از حالت همکاری به حالت جنگ همه با همه تغییر وضعیت می‌دهد و هزینه‌های مراقبتی و نظارتی جامعه به شدت بالا می‌رود. وظایف نهادهای نظارتی (ام‌توان در سه سطح خلاصه کرد: نظارت هوشمند و پیشگیرانه؛ مسئولان امر نباید منتظر بحران باشند تا اقدام کنند. ایجاد سیستم‌های پایش بازار، رصد زنجیره تأمین و شناسایی نقاط کور توزیع، وظیفه اصلی نهادهای نظارتی است.

اجرای عدالت و برخورد بدون تبعیض: قانون باید به گونه‌ای اجرا شود که هیچ قدرتی نتواند از زیر سایه جرم اقتصادی فرار کند. برخورد با محتکران باید به گونه‌ای باشد که هم از نظر اقتصادی جریمه‌های سنگین و مصادره و هم از نظر کیفی، بازدارنده باشد. تضمین عرضه کالا: دولت باید با مدیریت هوشمندانه ذخایر استراتژیک، از خالی شدن قفسه‌های فروشگاه‌ها جلوگیری کند تا فرصت برای محتکران از بین برود.

وظیفه مردم: هوشیاری، مشارکت و نظارت اجتماعی. مبارزه با فساد اقتصادی تنها قفسه‌های فروشگاه‌ها جلویگری کند تا فرصت برای محتکران از بین برود.

غیررسمی و واسطه‌های غیرموجه خودداری کنند. گزارش‌دهی و نظارت: هر دشمنی باید خود را یک ناظر اقتصادی بداند. گزارش دادن موارد گران‌فروشی، کم‌فروشی یا مشاهده انبار کردن غیرعادی کالا به نهادهای ذی‌ربط، یک وظیفه ملی و اخلاقی است. سکوت در برابر فساد اقتصادی، به معنای تأیید غیرمستقیم آن است از این رو پلیس امنیت اقتصادی با راه اندازی سامانه‌ای در بستر سروش، اپنا و به آدرس @police30111 اقدام ده دریافت اخبار و اطلاعات مردم عزیز در خصوص احتکار و گران‌فروشی است. تکیه بر اقتصاد داخلی: حمایت از تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان متعددی که قیمت‌های منصفانه ارائه می‌دهند، باعث تقویت بخش‌های سالم اقتصاد و حذف تدریجی بخش‌های فاسد می‌شود.

باید در نظر داشته‌انیم آنچه می‌خواندیم با ملت و از درون فرو بیاشد، بی‌عدالتی اقتصادی و فساد داخلی است. مبارزه با احتکار، گران‌فروشی و فساد، نه یک انتخاب سیاسی، بلکه یک ضرورت حتمی و اساسی است. تنها با همکاری زنگتاکنگ دولت در اجرای دقیق قانون و هوشیاری جمعی مردم، می‌توان چپه معیشت را در برابر طوفان‌های اقتصادی و جنگ‌های تحمیلی حفظ کرد و امنیت زندگی را برای همه تأمین نمود.

## اعتراف پرستار قلاری به سرقت ۴۵۰ میلیون تومانی

زنی که با عنوان پرستار موقت وارد خانه یک سالمند قمی شد،ه بود، پس از سرقت کردن وی با قرص ۴۵۰ میلیون تومانی از اموال او را به پلیس سرقت برود، اما سسر استیجاب در عملیات پلیس شناسایی و دستگیر شد.

مرکز اطلاع رسانی پلیس کم اعلام کرد: چند روز قبل همزمان با شکایت یک شهروند سالمند مبنی بر سرقت اموالش توسط زنی که برای نگهداری و پرستاری او از استخدام شده بود، رسیدگی به پرونده در دستور کار مأموران کلانتری ۱۷ شهید بهشتی قرار گرفت. بررسی‌های اولیه نشان داد متهم پس از جلب اعتماد پیرمرد، با خوردن قرص او را بی‌هوش کرده و سپس تمامی پول نقد و کارت‌های بانکی وی را به سرقت برداشت. ارزش اموال سرقت‌شده حدود ۴۵۰ میلیون تومان برآورد شده‌است. با وجود آنکه شسای اطلاعات دقیقی از هویت و محل سکونت زن سارق در اختیار نداشت، مأموران با انجام اقدامات اطلاعاتی و فنی موفق شدند هویت متهم را شناسایی و او را بازداشت کنند.

متهم در جریان بازجویی‌ها به سرقت اعتراف کرد و تحقیقات از وی جریان دارد.

## ۹سال زندگی پنهانی کلاهبردار فراری در خانه متروکه!

مردی که به اتهام کلاهبرداری ۲ میلیارد تومانی تحت تعقیب پلیس بود، ۹سال تمام در خانه شخصی خود مخفی شده و با کمک اعضای خانواده‌اش در مأموران را گم می‌کرد. اما سسر انجام این فرار طولانی با عملیات غافلگیرانه پلیس زرد پایسان یافت.

سرهنگ محسن شیخ‌زاهدی، فرمانده انتظامی شهرستان زرد گفت: مأموران کلانتری ۱۱ زرد در پی پیگیری‌های مستمر و اقدامات اطلاعاتی برای دستگیری متهمی که به اتهام کلاهبرداری ۲ میلیارد تومانی سال‌ها تحت تعقیب قرار داشت، موفق شدند سرخ‌های مهمی از محل اختفای وی به دست آورند. بررسی‌های تخصصی نشان داد متهم برخلاف تصور اولیه، در تمام این سال‌ها شهر یا کشور خارج نشده و در منزل شخصی خود زندگی می‌کرده‌است. اعضای خانواده وی برای ایجاد این تصور که خانه متروکه و خالی از سکنه است، هر روز درب ورودی ساختمان را از بیرون قفل می‌کردند تا مأموران و همسایگان به حضور فرد تحت تعقیب در داخل منزل مشکوک نشوند. پس از تکمیل تحقیقات و اطمینان از حضور متهم در مخفیگاه، مأموران با اخذ دستور قضایی وارد عمل شدند و در یک عملیات غافلگیرانه موفق به دستگیری این کلاهبردار متواری شدند. سرهنگ شیخ‌زاهدی خاطر نشان کرد: متهم پس از دستگیری برای تکمیل تحقیقات و رسیدگی به اتهامات مالی به مرجع قضایی معرفی شد.